

بررسی سبک شناختی اشعار استاد کزازی

مریم نظر چوب مسجدی^۱، اکرم قلعه سری^۲، اشرف السادات ساداتی کردخیلی^۳

^۱ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان و مدرس دانشگاه فرهنگیان مازندران.

^۲ کارشناس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و دبیر آموزش و پرورش شهر ساری.

^۳ کارشناس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و دبیر آموزش و پرورش شهر ساری.

چکیده

در این مقاله چهار نمونه از اشعار استاد کزازی از انحاء مختلف بررسی شد. در هر نمونه شعری بررسی شده جایگاه عشق بسیار والا و مقدس تعبیه شده است. شاعر در انتخاب نوع معشوق تحت تأثیر مستقیم سعدی است و از معشوقی زمینی نشانه می دهد. از لحاظ ادبی می توان گفت آرایه ها و صنعت های بدیع ادبی حضوری میانه در هر سه نمونه شعری دارند. شاعر از این لحاظ تحت تأثیر سبک عراقی است. البته دورنمایی از سبک خراسانی نیز در آن ها دیده می شود. به لحاظ زبانی نیز می توان گفت دکتر کزازی (زرروان) برخی لغات و اصطلاحات کهن و قدیمی ایران را در شعرها آورده و نوع کاربرد فعل ها و ترکیبات نیز با سبک خراسانی هماهنگی دارد.

واژه های کلیدی: استاد کزازی، چامه چشم، چامه شهر شور، غزل درد دوری، غزل بهار، سبک شناسی.

مقدمه

استاد دکتر میر جلال الدین کزازی به سال ۱۳۲۷ خورشیدی در خانواده ای فرهیخته در کرمانشاه زاده شد و آموزش خود را تا دریافت دیپلم طبیعی (تجربی) در همین شهر گذراند و در سال ۱۳۴۶ به دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران راه یافت. کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته ی زبان و ادب پارسی در این دانشکده سپری نمود. وی سال ها پس از این در سال ۱۳۶۹ در آزمون دکتری ادبیات پارسی شرکت جست و با رتبه ای بالا در دانشگاه تهران پذیرفته شد. دکتر کزازی از آغاز نوجوانی دل در گرو دنیای دل انگیز ادب پارسی داشته و همواره در کار آفرینش آثار منظوم و منثور بوده که این علاقه به فرهنگ گران سنگ ایران را از پدر به یادگار ستانده است. پای بندی وی به واژگان کهن اما دل نشین پارسی دری پر آوازه و ستودنی است. وی از سال ۱۳۵۴ تا کنون در شمار دبیران فرهنگ و ادب در این مرز و بوم بوده و هم اینک استاد و عضو هیات علمی دانشکده ادبیات و زبان های خارجه دانشگاه علامه طباطبایی تهران است. دکتر گاهی شعر نیز می سراید و نام هنری شعری اش "زروان" می باشد. استاد با چند زبان اروپایی و از همه بیشتر با فرانسه آشناست و برای گسترش فرهنگ ایران زمین سفرهایی چند به کشورهای مختلف داشته که در دراز مدت ترین آنها مدتی را در دانشگاه بارسلون اسپانیا به تدریس ادب پارسی و ایران شناسی پرداخته است.

اهداف تحقیق

- کتاب شناسی آثار استاد کزازی
- بررسی سبک شناسی چامه های چشم و شهر شورغزلیات درد دوری و بهار

کتاب شناسی آثار استاد کزازی

از ایشان آثار پر شماری در قالب نوشتار (تالیف) - برگردان (ترجمه) - تحقیق و تصحیح به چاپ رسیده است. که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

مجموعه شعر داستان مستان

تازه ترین مجموعه شعر دکتر میر جلال الدین کزازی که گزیده ای از سروده های استاد در دهه ۷۰ است. شعرهای این مجموعه به شیوه کهن سروده شدند و در چند قالب گوناگون ارائه شده است: غزل ها، چامه ها، سروده های کوتاه، ترانه، ترانه های کرمانشاهی و مثنوی. این مجموعه از احساس و اندیشه ای نیک نهاد سرشته و در هم پیوسته شده است که آینه ای از حکمت و معرفت و عشق و طرب و تغزل را فراروی خواننده جان آگاه قرار می دهد.

پند و پیوند

گزارش بیست غزل حافظ بر پایه زیباشناسی و باورشناسی (حافظ شناسی) "پند و پیوند" در حقیقت، جلد دوم کتاب دیرمغان است که در آن، دکتر کزازی به شیوه ای نو به گزارش غزل های حافظ پرداخته است و غزلهای خواجه را بر پایه زیبا شناسی و باورشناسی بررسی و گزارش کرده است.

ترجمانی و ترژیانی (هنر ترجمه)

"ترجمانی و ترژیانی" حاصل کند و کاوها، درنگ ها و دیدگاه های دکتر کزازی درباره هنر ترجمه است که در چند جستار فراهم آمده است و در آن شیوه های گونه گون ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.

تندبادی از کنج (شاهنامه شناسی)

"تندبادی از کنج" گزارشی است بیت به بیت و همه سویه از داستان رستم و سهراب شاهنامه، بر پایه دانشهای گونه گون ادب شناسی و سخن سنجی، با دیباچه ای در چگونگی و ارزش این داستان.

دُرّ دریای دَری (شاهنامه شناسی)

"دُرّ دریای دَری" کتابی کم نظیر در ادب پارسی است. این کتاب گزارش درازآهنگی است از قصیده ای بلند که دکتر کزازی آن را در ۲۷۸ بیت سروده است و چنین آغاز می شود:

هر که او را شور معنی گستری است

زیب شعرش دُرّ دریای دَری است

در این چامه بلند، سرگذشت شعر پارسی از آغاز تا روزگار ما نموده شده است. علاوه بر آن، زندگینامه، نکات ویژه زندگی و نیز شیوه سخنوری هر شاعر بیان گردیده است. نویسنده در مقدمه گسترده خویش بر این اثر، مطالب جالب و مفیدی در زمینه "چیستی هنر" و نیز "چگونگی آفرینش هنری" آورده است که در جای خود، روزنی به جهان پر رمز و راز هنر است.

دیدار با اژدها (گزارش سفر)

"دیدار با اژدها"، روزنگار سفر کوتاه دکتر کزازی به چین، سرزمین افسانه ای آسیاست. این اثر که از دید شیوه و قالب یکسره با روزهای کاتالونیا همسان و دمساز است، پیوندهای فرهنگی، تاریخی ایران و چین را مورد بررسی قرار داده است. دکتر کزازی اعتقاد دارد که شناخت چین کهن ما را در شناخت خویش یاری خواهد داد، چرا که چین کهن یادگارها و نشانههای بسیاری از فرهنگ گرانسنگ ما را نهفته دارد، از سوی دیگر، چین نو، در بسیاری از چاش ها، گرایش ها و هنجارهای اجتماعی، فرهنگی با ایران امروز سنجیدنی است و در یافتن راه حل ها و راهکارهای بایسته برای پرسش های اکنون جامعه ما در رویارویی سنت با نوگرایی و یا جهانی شدن و بومی ماندن می تواند مطرح باشد.

دیر مغان (حافظ شناسی)

"دیر مغان" گزارش بیست غزل حافظ است، از آغاز دیوان وی و بر پایه زیباشناسی و باورشناسی. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است از نگاهی متفاوت، غزل های خواجه شیراز را بنگرد و آنها را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی که دیگر حافظ پژوهان کمتر بدان پرداخته اند، بکاود و بررسی.

رؤیا، حماسه، اسطوره (شاهنامه شناسی)

"رؤیا، حماسه، اسطوره" آنچنانکه از عنوان آن برمی آید، سه قلمرو پر رمز و راز و جاودانه رویا، حماسه و اسطوره را در بر می گیرد. این اثر، در حقیقت پایان نامه و تز دکتری نویسنده است.

دوره ی سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی" پیرامون علم معانی و بیان و بدیع که آثاری ارزشمند به شمار می آیند.

سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) "سراچه آوا و رنگ" کتابی است که دکتر کزازی آن را در "خاقانی شناسی" نوشته است. در این اثر، دوازده قصیده، یک ترکیب بند، شانزده غزل، نه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است.

گذری و نظری بر آثار و احوال (زیست نامه)

گذری و نظری بر آثار و احوال "زیست نامه ای است کمابیش فشرده که از آغاز تا چندسال زندگانی پر بار دکتر کزازی در بر می گیرد.

گزارش دشواریهای دیوان خاقانی (خاقانی شناسی)

دکتر کزازی در این اثر گرانسنگ که در هزار صفحه به چاپ رسیده است، بیت های دشوار و هنری در سراسر دیوان خاقانی را بررسی و گزارش کرده است. وی پیش از این کار، نخست دیوان خاقانی را در دو جلد ویراسته و به چاپ سپرده بود. در این چاپ، مولف در کنار بی‌هایی که می‌بایست گزارده می‌شدند، ستاره ای نهاده بود. در "گزارش دشواریهای دیوان خاقانی" این بیت های ستاره دار گزارده شده اند و گاه نیز نکته های نغز و باز نمودنی در بیت های بی ستاره نیز گزارش شده اند.

مازهای راز (شاهنامه شناسی)

"مازهای راز" جستارهایی است در شاهنامه فردوسی و در برگزیده شش مقاله درباره شاهنامه است. نخستین جستار، "نمادشناسی اسطوره در داستان ضحاک" است که به همایش جهانی بزرگداشت فردوسی که در تهران برگزار شد، پیشکش شده است.

رخسار صبح (خاقانی شناسی)

"رخسار صبح" کتابی است حجیم و هفتصد صفحه ای در گزارش قصیده ای بلند و دلپسند از خاقانی. به تقریب، نیمی از این کتاب، شامل دیباچه مفصلی است در شرح زندگانی و شیوه شاعری این قصیده سرای بزرگ ایران. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است بر پایه سروده ها و نوشته های خاقانی، زندگی وی را بررسی کرده و روشنایی هایی بر بخش های تاریک و ناشناخته زندگی وی بیندازد. دکتر کزازی در این کتاب، همانند کتاب های "سوزن عیسی" و "پارسا و ترسا" کوشیده است تا این چامه بلند خاقانی را بر بنیاد واژه شناسی، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی کند.

بررسی و تحلیل سبک شناسی چامه های چشم و شهر شور و غزلیات درد دوری و بهار

چامه چشم

چون نهم بر چشم جان آرای چشم	شیمیم و از سر شوم تا پای چشم
تا ببیند بند بندم چشم تو	تن شود یکسر مرا چون نای چشم
چشم از چشم تو برنتوان گرفت	مانده در افسون چشم سای چشم
روزن راز است و جادوی جهان	آن شرر انگیز و شورافزای چشم
نیمخواب است و گران جنب و بناز	وز تن آسانی است و جان آسای چشم
جان ما را از جهان آرایه بس	چشم جان آرای و جان آرای چشم
چشم از آن دارم که بینم چشم تو	رای و رویم چشم و روی و رای چشم
چشم من جز چشم تو چشمی نداشت	ای خوشا زین چشم خواهشزای چشم
چشم سبزت را نهان یکسر بدید	وه از این گستاخ ناپروای چشم

هر که دید آن آسمان آسای چشم	آسمانی در زمین دید ای شگفت
آسمانی چشم من! بگشای چشم	آسمان در چشم تو گم می شود
شد کیودی بر کیوداندای چشم	تا بماند بی گزند از چشم زخم
گردد از اندوه خونپالای چشم	گر شود ابری زمانی آسمان
ز ابر اندوه آسمان آلی چشم	برگشاید جوی اشکم بر رخان
بر تو دریا‌های جان پیرای چشم	ز آسمان ها در گذر کاکنون گشود
ای شگفت آن جفت بی همتای چشم	آسمان دریا و دریا آسمان
گفت زروان بیمناک: ای وای چشم	دید دریا را به خشم و پر خروش

وزن و بحر چامه چشم

وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

بحر: رمل مسدس مخدوف

الف-مختصات زبانی چامه: قالب شعری، چامه (قصیده) است.

۱- بسیاری از ترکیبات و واژه‌ها ویژگی‌های زبانی کهن را به یاد می‌آورد و برهانی است بر این که سبک شعر، خراسانی است. از قبیل: جان آرای، چشم افسای، شورافزای، گران جنب، جان آسای، آسمان آسای، خونپالای، جان پیرای و ...

۲- در جای جای چامه ترکیب وصفی مقلوب دیده می‌شود به عبارتی تقدیم صفت بر موصوف که از ویژگی‌های سبک قدیم فارسی (خراسانی) است: آسمان آسای چشم، آسمانی چشم، جان آرای چشم و ...

۳- آوردن ب تأکید بر سر افعال: بدید (مصراع اول بیت ۹) بگشای (مصراع اول بیت ۱۲) و ...

۴- به کار بردن عبارت‌های فعلی کهن: بر نتوان گرفت.

۵- به کار بردن فعل پیشوندی: برگشاید، در گذر

۶- فقدان لغات عربی یکی از برجسته‌ترین مزیت‌های این چامه محسوب می‌شود. شاعر سعی کرده لغات کهن فارسی را بر لغات بیگانه ترجیح دهد به طوریکه از الفاظ ترکی و ... نیز در این چامه سراغی نسیت.

۷- در بیت ۱۲ لفظ بگشایی با وزن شعر همخوانی ندارد و ظاهراً حرف ب زائد است.

۸- بیت ۱۲ و ۱۳ غرابت معنایی دارد و چندان برای مخاطب روشن نیست.

۹- تا حدودی زبان شعر هموار نیست. برخی ابیات بسیار ساده و روان مطلب را بیان می کند. مثلاً:

آسمان در چشم تو گم می شود آسمانی چشم من! بگشای چشم

و در برخی دیگر از ابیات شاعر ایده خود را با اغماض و پیچیدگی خاصی بیان می کند و مخاطب برای فهم مطلب نیاز به تدقیق بیشتر دارد. مثل:

نیمخواب است و گران جنب و بناز وز تن آسانی است و جان آسای چشم

۱۰- با وجود اینکه شاعر خود معتقد است که سخنور پیشه ورزی نیست و گه گاه به فرمان دل شعری می سراید! اما زبان شعر، یک زبان مبتدی و خسته کننده نیست، بلکه مخاطب با خواندن دو، سه بیت اول به ادامه دادن ترغیب می شود. زبانی ساده و صمیمی دارد و چون مضمون چامه عاشقانه است مخاطبان بیشتری را به خود جذب می کند.

۱۱- با آنکه قالب شعر قصیده است و قصیده مختص سبک خراسانی است اما مانند قصاید سبک خراسانی دارای تشبیب و تغزل و شریطه نیست. از مدح درباری نیز خالی است. فقط یک قصیده عاشقانه با بیانی ساده و روان.

ب- مختصات فکری

۱- از نظر فکری شعری است عاشقانه و غنایی (یادآور سبک عراقی) زیرا شاعر در آن معشوق را می ستاید. از دوری او می نالد. همه وجود خود را در معشوق خلاصه می کند و مقام او در نزد شاعر بسیار والا است. بر خلاف سبک خراسانی که معشوق در آن مقامی پست دارد.

۲- از طرفی برخی ویژگی های سبک خراسانی در افکار شاعر دیده می شود. مثلاً: معارف اسلامی و توجه به علوم خاص در این چامه نمود دارد. شاعر با تمام وجود محو معشوق است. این طور هم بر می آید که معشوق او زمینی است. از معارف اسلامی و آوردن اصطلاحات مربوط به علوم گوناگون پرهیز می کند.

۳- از عرفان و تصوف نیز در این شعر خبری نیست (ویژگی سبک خراسانی).

۴- مسأله مهم دیگر این که چون سراینده از اوان جوانی انس بسیار با تفکر حماسی داشته است و آثار حماسی ایران و جهان را بسیار مورد مطالعه و تفسیر قرار داده، تا حدود زیادی به سمت افکار حماسی میل دارد. یکی از ویژگی های بارز حماسه اغراق و مبالغه است که در این چامه نیز به وضوح اغراق را می توان یافت:

آسمانی در زمین دید ای شگفت هر که دید آن آسمان آسای چشم

چون نهم بر چشم جان آرای چشم شیبم و از سر شوم تا پای چشم

به عبارتی شاعر تحت تأثیر آثار حماسی، اغراق پرور شده و آن را در اشعار خود با هنرمندی خاصی به کار می برد. که البته همین اغراق ویژگی سبک عراقی است.

۵- از عناصر طبیعی در شعر استفاده شده است. مثل: آسمان، دریا، ابر، زمین و ... که البته بیشتر ویژگی سبک خراسانی است.

ج-مختصات ادبی:

این چامه دکتر کزازی به لحاظ ادبی مسائل گوناگونی را در خود مستور دارد.

۱- بارزترین مسأله ای که در سراسر چامه خودنمایی می کند، آرایه تکرار است. این آرایه زیبایی خاصی به چامه داده. تکرار واژه چشم.

۲- در اکثر ابیات شاعر سعی کرده کلماتی را بیاورد که تا حدودی هم خوانی حروف دارند و هم حرفند. به عبارتی حرف یا حروفی را به انحاء مختلف در ادبیات تکرار می کند. مثل:

بیت ۴ مصراع دوم: شورانگیز و شور افزا و چشم ← حرف (ش)

بیت ۵ مصراع دوم: تن آسانی و جان آسا ← حرف (س)

بیت ۷ مصراع دوم: رای و رای و روی و رای ← حرف (ر)

بیت ۸ مصراع دوم: خوشا، چشم، خواهشزا ← حرف (ش)

۳- اضافه تشبیهی نیز در این چامه دیده می شود. مثل: روزن راز، جوی اشک، ابر اندوه.

۴- در اکثر ابیات می توان واژه چشم را استعاره از معشوق گرفت.

چشم از آن دارم که بینم چشم تو رای و رویم چشم و روی و رای چشم

۵- در بیت ۱۰ تشبیه مضمیر دیده می شود:

آسمانی در زمین دید ای شگفت هر که دید آن آسمان آسای چشم

به صورت پوشیده چشم را به آسمان تشبیه کرده.

۶- در مصراع دوم بیت سوم جناس شبه اشتقاق وجود دارد:

مانده در افسون چشم سای چشم

۷- در بیت ۹ عبارت چشم سبز استعاره از پیکر معشوق است که عاشق با چشمان خود پنهانی آن را بدید.

۸- آرایه طرد و عکس نیز در شعر دیده می شود :

چشم جان آرای و جان آرای چشم . ← بیت ۶

رای و رویم چشم و روی و رای چشم. ← بیت ۷

۹- در بیت آخر شاعر تخلص خود (زروان) را با هنرمندی خاص و حافظ گونه می آورد.

۱۰- به لحاظ ادبی با آنکه عاشقانه است و شعری حرفی و مستقیم ، اما زیرساخت هنری دارد یعنی با خواندن آن مخاطب صحنه را در ذهن نقاشی می کند ؛ گویی تابلویی متحرک است.

طرز نگاه عاشق به چشمان آبی معشوق ، تصور اینکه چشمان او در واقع تداعی دو عنصر دریا و آسمان را می کند ، با دیدن معشوق سراسر وجود عاشق از سر تا پا چشم شدن همه و همه یک فیلم کوتاه عاشقانه و لطیف است که در ذهن مخاطب با زیبایی گذر می کند. رابرت فراست می گوید : «شعر نوعی اجرا به وسیله کلمات است.»^۱ براهنی ، رضا ، ۱۳۸۲، طلا در مس ، ص ۹۵ . بدین ترتیب می توان به یک برداشت کلی از چامه چشم دکتر کزازی رسید : به لحاظ زبانی به سبک خراسانی نزدیک است. زبانی ساده و در عین حال گیرا. اما از نظر فکری برخی خصوصیات سبک عراقی را دارد و برخی خصوصیات سبک خراسانی. والا بودن مقام معشوق ، عدم حضور مبانی عرفانی و اسلامی و غنایی بودن شعر ، یادمان سبک عراقی و افکار حافظ و سعدی است. از لحاظ خصوصیات ادبی نیز می توان گفت استفاده از صنایع بدیعی در حد متوسط است و شاعر چندان خود را غرق صنایع لفظی نکرده است. به طور کلی از آن دسته قصایدی است که مطلب مهم و جدیدی را یادآوری نمی کند. عاشقانه است و عشق قرنهایست که در ادبیات بشر رخنه کرده اما بیان ، هنری است و تا حدودی یادآور قصیده های خاقانی و انوری است که با بیانی قوی سروده شدند.

تحلیل سبک شناسی چامه " شهر شور "

چامه شهر شور

هله ، ای شهر شور و ولوله ها ! شهر یل ! شهرزاندُهان یله ها !

شهرها مونهای سبز فراخ ! شهر مَرها ، گریوه ها ، مِله ها !

وه وه از آن فسیله ها ، در دشت ! وه از آن راغها و آن گله ها !

یا به هنگام بازگشت رمه ! نغمه ی پر نوید زنگله ها !

ای خوش آن باغها و گردشها ! ای خوش آن رودها و آن مَله ها !

ای خوشا آن زمان که می خوانند سیره ها در کنار چلچله ها !

وه زساغر کشی ، به باغ بهارا ! نغمه ی بلبلان و بلبله ها !

باغزالان شوخ شعر انگیز
ای خوش آن بذله ها ، مغزله ها !
زین فریبندگان ، نهاده شده ست
بهر دلها ، به هر سوی تله ها
ای خوشا ظهروهای تابستان ،
آب آن کوزه ها و تنگله ها !
ای خوشا صبح عید و قربانی !
هر دم ، از گوشه ای ، به گوش آید
ای خوش آن شهرکش چوگرددلیر
نیر زایند و شیر حمله ها !
ای که مردان دانش و ادبت ،
در جهان ، بفکنند غلغله ها !
ای ابر شهر ! از بن دندان
دم فرو بسته از مجامله ها
خوانمت ، نیک و یکدل و یکرنگ
شهر یکرنگ و شهر یکدله ها
دل از آن پر گله به خشم آید
کز تو، آزرده دل ، کند گله ها
بهر دیدارت ، ای سرای سرور!
به سرآید همواره حوصله ها
تا دگر باره بینمت ، شادان
در نوشتم به شوق مرحله ها
چون به سوی تو راه می پوییم
بس دراز است و دور فاصله ها
ما به سر سوی تو فراز آییم
رست برپایمان گر آبله ها
وه که با دیدنت عزیزان را
حل شودمشکلات و مسأله ها !
هرکه در تو بیمارمد چندی
دل بیاسایدش زمشغله ها
هرکه شد آشنات ، بیگانه ست
از جدلها و ازمجادله ها
بندد آن خاک پاک دامنگیر
وقت رفتن ، به پای سلسله ها
ای سرافراز در کشاکش دهر
وی ظفرمند، در مقاتله ها !
بفکنی ، گر به شور آرندت
در جهان ، از خروش زلزله ها
سوی توشادمانه می پویند
از همه سوی وروی ، قافله ها

هر که آید به سوی تو، چون حاج	آرد از شور و شوقی هر وله ها
هله ! ای شهر من ! درودت باد!	به که پایان دهم دگر هله ها
دور دارد داور دادار	هر زمان از گزند نازله ها !
پاک مان و رمان ، زناپاکان	دور از ریمنان و آکله ها
کربلایی ، به دامنت مرساد	دست کرب و بلای حرمه ها
وه که ز روان فکند ولوله ای	چون بیامد به شهر ولوله ها !
سزد اورا، بدین چکامه ، دهد	یار کرمانشاهی گرسله ها

(کزازی، دیوان شعر، ۱۳۸۷، ص ۳۰)

الف - مختصات فکری

شاعر از همان آغاز چامه ، کرمانشاه را شهری از غم و اندوه می داند . اهالی این ناحیه را مردمی پهلوان و شاد زیست معرفی می کند . بنابراین روحیه برون گرا و مثبت شاعر از همان ابتداء به چامه تزریق می شود که البته یکی از خصوصیات بارز شاعران سبک خراسانی است . ازبیت دوم ساختار چامه توصیفی می شود. شاعر طبیعت کرمانشاه را با دقت نشر توصیف می کند . از عناصر طبیعت در شعر استفاده می کند و از این طریق نوع سبک خراسانی را تکرار می کند . شفیع کدکنی در این باره می گوید :

« شعر فارسی در این دوره از نظر توجه به طبیعت ، سرشار ترین دوره شهر در ادب فارسی است . چرا که شعر فارسی در این دوره شعری است آفاق و برون گرا در هیچ دوره ای شعر به طبیعت ساده و مملوس ، این مایه وابستگی نداشته است و این قدر نزدیک نبوده ». شاعر تصویری در ذهن می سازد که گویی همان لحظه در میان سبزه زاران و درو دشت کرمانشاه حضور دارد . ارتباط او با طبیعت شعر منوچهری و فرخی سیستانی را به یاد می آورد . در اواسط چامه شاعر بحث عشق زمینی را به میان می کشد . از وصف شهر فاصله می گیرد و محیط را با عشق زمینی جذاب تر می کند.

با غزالان شوخ شعر انگیز	ای خوش آن بذله ها ، مغالزه ها
زین فریبندگان ، نهاده شده است	بهر دلها به هر سوی تله ها ...

(شفیعی کدکنی، صورخیال در شعر فارسی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷).

از عقاید مذهبی و رسوم سنتی دیر خود نیز سخن به میان می آورد :

ای خوشا صبح عید و قربانی !
تیغ قصاب و بانگ بسمله ها !

هر دم از گوشه ای به گوش آید بانگ شادی فزای هلهله ها!

در بیتی دیگر اشاره می کند که کرمانشاه سرای بزرگان و مشاهیر عدیده ای است. به نوعی از این طریق قصد دارد به زادگاه خود و محیط فرهنگی آن تفاخر کند.

ای که مردان دانش و ادب در جهان بفرکنند غلغله ها!

کرمانشاه سرزمین مردانی شهیر و ماندگار در طول تاریخ است. فرهنگی برجسته و خاص را به ایرانیان القا کرده و از لحاظ ادبیات و موسیقی در شمار قطب های کشور محسوب می شود: علی محمد افغانی = نویسنده بزرگ ایرانی، شاهکار برجسته او رمان شوهر آهو خانم که در سال ۱۳۴۴ عنوان کتاب سال را دریافت کرد. یدالله بهزاد کرمانشاهی = شاعر نامدار سبک خراسانی. محمد باقر خسروی = نویسنده نخستین رمان فارسی به نام شمس و طغرا. میر جلال الدین کزازی = ادیب و استاد دانشگاه و محقق برتر کشور. ابوالقاسم لاهوتی = بنیانگذار شعر نو فارسی و نخستین شاعر ژرولتاریای ایران. شهرام ناظری = خواننده برتر سبک کلاسیک ایران. رحیم معینی کرمانشاهی = شاعر و ترانه سرای برجسته که بسیاری از ترانه های او به وسیله خوانندگان بزرگ کشور (چه قبل از انقلاب و چه پس از انقلاب) به اجرا درآمد. در چند بیت پی در پی دوری از دیار خود را بسیار آزار دهنده تلقی می کند. خاک کرمانشاه را دامنگیر می داند و معتقد است پایش با زنجیر به کرمانشاه متصل شده و دل کندن از آن جا برای او سخت و عذاب آور است. با تشبیه مضمیر کرمانشاه را کعبه می داند و مردمی که به سوی آن می آیند را حاجی تلقی می کند که البته تا حدودی با صنعت اغراق همراه است. در بیتی دیگر نیز شهر خود را کربلا می داند و آن را مقدس جلوه می دهد که نشان از علاقه مفرط شاعر و حب وطن اوست.

در ابیات آخر مثل شاعران مدیحه سرای درباری سبک خراسانی با حسن طلب تقاضای صلح می کند. زروان از این طریق تأثیر پذیری خود از شاعران سبک خراسانی را تأکید می کند.

ب- مختصات زبانی

۱- به کار بردن اصوات تحسین و شادباش مثل: هله، وه، ای خوشا و...

۲- به کار بردن الفاظ کهن فارسی که خاص سبک خراسانی است: یله، فسیله، راغ، سیره ها، بلبله، مغازله، بذله، تنگله، بسمله، هروله، آکله، یل، مرساد.

۳- برخی الفاظ را به صورت مخفف و دست خورده به کار می برد که البته خصوصیت سبکی عصر خراسانیان محسوب می شود. مثل:

اندّهان مخفف اندوهان بفرکنند مخفف بیفکنند

مّله مخفف محل هماره مخفف همواره

۴- استفاده از لغات سنتی و کهن کرمانشاهی که شاعر برای حفظ زبان مادری خود آنها را در چامه آورده است. مثل:

مّر فسیله گریوه

۵- در بسیاری از ابیات شاعر سعی می کند فعل را در اول یا اوایل بیت بیاورد که البته از مختصات سبکی محسوب می شود. مثل :

خوانمت نیک و یکدل و یکرنگ شهر یکرنگ و شهر یکدله ها
بندد آن خاک پاک دامنگیر وقت رفتن به پای ، سلسله ها
دور دارد داور دادار هر زمان از گزند نازله ها

۶- بعضی افعال با کاربرد کهن آن به کار برده شد و یا اکثراً ترجیح می دهد از عبارت فعلی یا فعل مرکب و یا فعل پیشوندی استفاده کند :

دم فروبسته - به سر آید - راه می پوییم - به شور آرندت - فراز آییم - در نوشتیم .

۷- نکته جالب توجه اینکه زروان فعل استمراری را به شکل کهن آن به کار نمی برد و ساختار افعال استمراری در چامه شهر شور همان ساختار امروزی است .

می خوانند - می پوییم - می پویند

۸- حرف ندا در این چامه بسامد بالایی دارد و اکثراً از حرف ندای ای استفاده شده .

ای شهر شور و ولوله ها - ای خوش آن باغها و گردشها

ای خوشا ظهرهای تابستان - ای خوشا صبح عید و قربانی - ای خوش آن شهر - ای ابر شهر ای که مردان دانش و ادبت - ای سرافراز در کشاکش دهر و...

که جمعاً ۱۳ بار لفظ ای همراه با وصف شهر در این چامه به کار رفت .

ج- مختصات ادبی :

۱- اضافه تشبیهی : سرای سرور

بهر دیدارت ای سرای سرور به سرآید همواره حوصله ها

۲- تجاهل العارف: شاعر غیر ذی روح را مخاطب قرار می دهد

ای ابر شهر! از من دندان دم فروبسته از مجامله ها

ای سرافراز در کشاکش دهر وی ظفرمند ، در مقاتله ها!

۳- تنسیق الصفات : برای یک موصوف چندین صفت پشت سر هم می آورد .

بندد آن خاک پاک دامنگیر وقت رفتن به پای ، سلسله ها

با غزالان شوخ شعر انگیز ای خوش آن بذله ها ، مغازله ها!

۴- اضافه استعاری :

کربلایی به دامت مرساد دست کرب و بلاى حرمله ها

دست کرب - اضافه استعاری

۵- خواهش نیک یا حسن طلب : « در این آرایه نیز بیشتر در چامه به کار برده می شود . خواهش نیک آن است که سخنور به شیوه ای نازک ، زیرکانه ، بزرگوارانه ، بی آنکه ارج خویش را فرو شکند از ستوده دهش و نواختی بخواهد . » (کزازی ، بدیع ، ۱۳۸۱، ۱۶۲)

وه که زروان فکند ولوله ای چون بیامد به شهر ولوله ها

سزداورا ، بدین چکامه دهد یار کرمانشهییش گرسله ها

۶- انواع جناس نیز در این چامه وجود دارد :

Ø جناس زاید :

هر دم از گوشه ای به گوش آید بانک شادی فزای هلهله ها !

(گوش ، گوشه)

Ø جناس اشتقاق :

هر که شد آشنات ، بیگانه ست از جدلها و از مجادله ها

بین جدل و مجادله که به این صنعت در پارسی می توان همپیشگی نامید .

تحلیل سبک شناسی غزل بهار استاد کزازی

غزل بهار

آمد بهار و سبزه دمید و جوانه رست وز نای سبز بلبل شیدا ، ترانه رست

دیدم به باغ دوش چو آن سرو ناز را به شاخ آرزو ، به نگاهم بهانه رست

دامن گرفتمش که : بیا سوی خوان من صد ها هزار گل چو بیایی ، به خانه رست

آشفت و گفت : چند فسون و فریب چند؟ کز گونه ها گلم ، ز فسون و فسانه رست
این گفت و دست فشان لب گزید و رفت خارم به دل چو باغ گلم شد روانه رست
در دل ، مرا چو با نگهش تازیانه زد گل های خون دمامم از آن تازیانه رست
از خوشه خوشه درد که در دل فرو شکفت اشکم به شاخ شاخ مژه دانه دانه رست
کزازیا ! هر چه رود ، مست دوست باش کآمد بهار و سبزه دمید و جوانه رست
نیکا بهار سبز سخن کاین جوانه نیز بر شاخ بر شکوفه آن ، شادمانه رست

(کزازی، دیوان شعر، ۱۳۸۷ ص ۱۰)

-وزن و بحر غزل :

وزن غزل = مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان .

بحر غزل = مجتث مثنیٰ اعراب مکفوف مخذوف

الف-مختصات زبانی

غزل «بهار» یکی از غزلیات قصیده گونه دکتر کزازی است. از این نوع غزلیات در دیوان حافظ شیرازی نیز می توان یافت:

سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد به دست مرحمت یارم در امیدواران زد
چو پیش صبح روشن شد که حال مهر گردون چیست بر آمد خنده خوش بر غرور کامگاران زد

(برزگر خالقی ، شاخ نبات حافظ ، ۱۳۸۶، ص ۳۸۹)

ریتم و آهنگ غزل بی شباهت با قصیده نیست. بیت های اولیه از آمدن فصل بهار و دگرگونی طبیعت می گوید اما در نهایت شاعر مقصودش را بیان می کند و غزل ، بافتی غنایی پیدا می کند.

۱- نوع بیان شاعر ، قصاید منوچهری ، فرخی سیستانی و دیگر قصیده سرايان سبک خراسانی را به یاد می آورد. واژه های به کار رفته در غزل ساختار قدیمی و کهن زیبای فارسی را دارند . مثل :

سبزه دمید - جوانه رست - دوش - دامن گرفتمش - آشفت - فسون - دست فشان - دمامم - فسانه (صورت کهن افسانه)

۲- در مصراع اول بیت سوم کلمه خانه را به صورت مخفف و با تریخیم به کار برده . دامن گرفتمش که بیا سوی خان من

خان مخفف خانه . و یا اشکم به شاخ شاخ مژه ... شاخ مخفف شاخه .

۳- در مصراع دوم بیت دوم لفظ «به» چندان با ترکیب کلمات سنخیت ندارد. می توان به جای آن از لفظ «بر» استفاده کرد.
«بر» شاخ آرزو، به نگاهم بهانه رست.

۴- برخی افعال را با ساختار سبک خراسانی به کار برده که شامل فعل های پیشوندی می شود: فرو شکفت.

۵- تخلص کزازی کاربرد ی حافظ گونه دارد:

حافظا، علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب، لایق صحبت نبود

(کزازی، دیوان شعر، ۱۳۸۷، ص ۵۱۷).

به طور کلی غزل حاضر از نظر زبانی به سبک خراسانی شباهت دارد. شاعر در اکثر ابیات از الفاظ کهن استفاده کرده و خود را مقید ساخته است تا از یک چارچوب معین خروج نکند. از الفاظ امروزی در غزل استفاده چندانی نکرده. فقدان لغات عربی هم در غزل مشهود است.

ب- مختصات فکری:

۱- ابیات اولیه این تصور را در ذهن ایجاد می کند که غزل، بهاریه است اما شاعر با ترفندی جالب مقصودش را به سمت عشق سوق می دهد و تفکر اصلی خود را بیان می کند. در واقع انگیزه اش را از سرودن غزل از ابیات دوم به بعد روشن می کند. بنابراین به نحوی دوگانگی معنایی در غزل وجود دارد.

۲- معشوق همانند سبک عراقی مقامی والا دارد. عاشق وصال او را می طلبد و از اینکه معشوق او را طرد کرده می نالد.

۳- فکر شاعر و شیوه او در زندگی تحسین برانگیز است. با آنکه از اواسط غزل اوضاع غمبار و ناخوشایند است، اما عاشق در اواخر غزل امیدی دوباره برای خود می سازد و مست معشوق بودن را به خود گوشزد می کند.

۴- اغراق همچنان در غزل دیده می شود:

صدها هزار گل چو بیایی، به خانه رست.

این مبالغه و بزرگ نمایی در معاشرت با معشوق، خاص سبک عراقی است.

۵- در بیت آخر شاعر به قدرت بیان خود می بالد و برای مخاطب اظهار می دارد که این غزل یکی از جوانه های درخت سخنان اوست. بنابراین او سخنان سبز و برجسته دیگری نیز دارد که باعث افتخار اوست. این حس تفاخر و غرور ناشی از تفکر حماسی اوست که در بیت آخر این غزل پدیدار شده است. البته داشتن یک تفکر حماسی، خاص سبک خراسانی است. (البته شاعر در این غزل مباحث غنایی و عاشقانه را نیز لحاظ کرد). به طور کلی از نظر فکری شاعر هم به سبک عراقی و هم تا حدودی به سبک خراسانی گرایش دارد. فراز و نشیب و تغییر عقیده و مقوله در این غزل فراوان است.

ج- مختصات ادبی: قالب شعر همانطور که گفته شد، غزل است. اما چندین آرایه ادبی در این غزل وجود دارد که بحث می شود:

از نظر صنایع معنوی بدیع :

۱- در چندین بیت صنعت مراعات نظیر وجود دارد :

بیت اول : میان بهار و سبزه و جوانه

بیت آخر : میان بهار ، جوانه ، شاخ و شکوفه

۲- در بیت پنجم صنعت کنایه دیده می شود :

این گفت و دست فشان لب گزید و رفت

دست فشاندن ← کنایه از طرد کردن

لب گزیدن ← کنایه از حرص خوردن

۳- در برخی ابیات آرایه اغراق دیده می شود :

-صد ها هزار گل چو بیایی ، به خانه رست .

-گل های خون دمامم از آن تازبانه رست.

۴-صنعت تضاد نیز در بیت پنجم وجود دارد .

خارم به دل چو باغ گلم شد روانه رست. ← میان خار و گل تضاد وجود دارد.

۵-صنعت تجرید (خطاب النفس) نیز دیده می شود.

کزازیا !! از هر چه رود مست دوست باش.

متکلم از نفس خویشتن یکی را مانند خود انتزاع کند و او را طرف خطاب قرار دهد.

۶-صنعت استعاره نیز در برخی ابیات وجود دارد.

دیدم به باغ دوش چو آن سرو ناز را ← سروناز استعاره مصرحه از معشوق

نیکا بهار سبز سخن کاین جوانه نیز ← جوانه استعاره مصرحه از غزل شاعر

۷-در بیت ۷ اضافه استعاری وجود دارد.

از خوشه درد که در دل فرو شگفت ←خوشه درد اضافه استعاری

اشکم به شاخ شاخ مژه دانه دانه رست ← شاخ مژه اضافه استعاری

۸- دو بیت ۶ و ۹ اضافه تشبیهی وجود دارد.

گل های خون دمامم از آن تازیانه رست. ← خون به گل تشبیه شده.

نیکا بهار سبز سخن کاین جوانه نیز ... ← سخن به بهاری سبز تشبیه شده

- صنایع لفظی بدیع :

۱- جناس مذیل در بیت اول و سوم :

بیت اول میان سبز و سیزه .- بیت سوم میان خان و خانه.

۲- جناس مطرف در بیت اول :

میان جوانه و ترانه .

۳- جناس اشتقاق در بیت چهارم میان فسون و فسانه.

۴- صنعت ردّ المطلع نیز در این غزل وجود دارد.

مصراع اول بیت اول در مصراع دوم بیت هشتم تکرار شده است.

۵- صنعت تتابع اضافات در مصراع دوم بیت اول : وز نای سبز بلبل شیدا

به طور کلی غزل «بهار» از جمله اشعار ساده و بدون تعقید محسوب می شود. به سبک عراقی نزدیک تر است ولی از لحاظ زبانی خصیصه های سبکخراسانی را داراست. صنایع طبیعی بدیعی و بیانی در آن مشاهده می شود که البته لازمه زبان ادبی است. و چون به طور طبیعی رخ داده ، صفت پسندیده ای است. فصاحت و بلاغت نیز در سراسر شعر دیده می شود.

ملک الشعرای بهار در خصوص انواع شاعری می گوید :

شاعری را شعر سهل و شاعری را شعر صعب

شاعری را شعر سخته شاعری را سرسری

آن یکی پند و نصایح آن یکی عشق و مدیح

آن یکی زهد و شریعت آن یکی صوفیگری

زین طبایع مختلف سرزد صفات مختلف

وآن صفت ها شعر شد وآن شعرها شد دفتری

(بهار ، سبک شناسی ، ۱۳۸۶).

سبک شناسی غزل «درد دوری»

این غزل را دکتر کزازی در اسفند ماه سال ۷۷ سروده است که در دفتر شعر دستان مستان درج شد. از آن جا که غزل بسیار لطیف و آهنگین است، به دل نشست و این تصور ایجاد شد که تفسیر آن نیز خالی از لطف نباشد.

«درد دوری»

به دور از تو تن و توشی نماندست	مرا جان و دل و هوشی نماندست
چنانم درد دوری سود، کز من	مگر فرسوده تن پوشی نماندست
اگر شیری کنی بر من بتازی	شود پیدا که خرگوشی نماندست
مرا جز تو که شاه نیکوانی	پری رویی، پرن دوشی نماندست
بیا و کام جان را نوش نو بخش	که از نیش غمم، نوشی نماندست
بیا و دل ببر از کوش و کشها	مرا با تو کش و کوشی نماندست
بیا بر من چو جان آغوش بگشای	مرا جز جان هم آغوشی نماندست
سخن می پژمرد در کام خشکم!	دل افسرده را جوشی نماندست
بیا تا جان بگیرد بار دیگر	که زروان را تن و توشی نماندست

(کزازی، دیوان شعر، ۱۳۸۷، ص ۱۲)

-وزن و بحر غزل:

وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

بحر: هزج مسدس مخذوف

وزن مثنوی خسرو شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و یوسف و زلیخای جامی نیز همین است.

الف-مختصات زبانی غزل:

۱- بعضی الفاظ به کار رفته در غزل، سبک خراسانی و کهن فارسی را به یاد می آورد. در مصراع اول بیت دوم لفظ سود (صورت قدیمی و کهن فعل فرسود) پرن دوش در مصراع دوم بیت چهارم

لفظ می پژمرد که کاربرد آن کهن و قدیمی است.

۲- بعضی الفاظ را به صورت مخفف به کار رفته اند.

کوش و کَشها : مثل کش و قوسها ، مخفف کوششها و کششها

۳- یکی از بارزترین مختصات زبانی سبک عراقی را به کار برده است. بر سر فعل امر «ب» آورد.

بتازی - بپر - بگشای - بگیرد.

ب- مختصات فکری :

۱- کل غزل ۹ بیت است. شاعر ۴ بیت اول را اختصاص داده به اینکه از فراق یار بنالد. در این ۴ بیت لحن شاعر بسیار غم انگیز و تأثیرگذار است. گویی باید عاشق بود تا حال و هوای او را درک کرد. زندگی دوباره خود را در گرو وصال یار می بیند و وجودش را بدون معشوق فرسوده و نابودشدنی می داند. فکر و حرف چندان تازه ای در این ۴ بیت مشاهده نمی شود. مثل همه شاعران عاشق پیشه گذشته درد دوری سر می دهد و ندای خاموش شدنی عشق را زمزمه می کند.

۲- از بیت ۵ به بعد نوعی امید که کاملاً با ۴ بیت اول متفاوت است ، در شاعر شکل می گیرد و دائماً معشوق را می طلبد. از این ۵ بیت آخر ، ۴ بیت را با لفظ بیا شروع می کند و مرتباً تکرار می کند که به آمدنت نیازمندم. از غم فراوان خود می گوید و امیدوار است که با آمدن یار ، جانی دوباره بگیرد.

ج- مختصات ادبی :

شاعر در این غزل بر خلاف گذشته چندان خود را درگیر آرایه های ادبی نمی کند.

صنایع لفظی بدیع :

۱- در بیت اول میان توشی ، هوشی ← جناس مطرف

و در بیت پنجم میان نوش ، نیش ← جناس مطرف

۲- مراعات نظیر ← بیت اول میان تن و جان و دل و هوش .

۳- جناس شبه اشتقاق ← بیت شش میان کوش و کش .

صنایع معنوی بدیع :

۱- اضافه استعاری ← بیت ۵ در عبارت کام جان .

۲- اضافه تشبیهی ← بیت ۵ در عبارت نیش غم .

۳- تشبیه ← بیت ۷ مصراع اول : بیا بر من چو جان آغوش بگشای .

تو (مشبه) (چو) (ادات تشبیه) (جان) (مشبه به) (آغوش بگشا) (وجه شبه) تشبیه حسی به غیر حسی .

- به طور کلی غزلی است ساده و بی آرایش. عشق توأم با درد و غم در غزل موج می زند. از نظر زبانی و ادبی حدّ وسط بین سبک عراقی و خراسانی است. از نظر فکری می توان گفت تکرار بسیاری از غزلهای عاشقانه گذشته است و نکته بکر و بدیعی ندارد.

نتایج

سه نمونه شعری از دکتر میرجلال الدین کزازی از انحاء مختلف بررسی شد. در هر سه نمونه جایگاه عشق بسیار والا و مقدس تعبیه شده است. شاعر در انتخاب نوع معشوق تحت تأثیر مستقیم سعدی است و از معشوقی زمینی نشانه می دهد. از لحاظ ادبی می توان گفت آرایه ها و صنعت های بدیع ادبی حضوری میانه در هر سه نمونه شعری دارند. شاعر از این لحاظ تحت تأثیر سبک عراقی است. البته دورنمایی از سبک خراسانی نیز در آن ها دیده می شود. به لحاظ زبانی نیز می توان گفت دکتر کزازی (زروان) برخی لغات و اصطلاحات کهن و قدیمی ایران را در شعرها آورده و نوع کاربرد فعل ها و ترکیبات نیز با سبک خراسانی هماهنگی دارد. در چامه چشم رگه های حماسی را می توان به وضوح دید. نوع بیان و صلابت شاعر در تأکید برخی نکات، اغراق های دلنشین، تکرارها و بسیاری دیگر روحیات شاعر پرورش یافته مکتب کرمانشاهی را نمایان می سازد. دکتر کزازی زاده دیاری است پهلوان پرور. سرزمینی مرزی که همیشه تاریخ در دفاع از آب و خاک این وطن پیشرو بوده است. تکرار لفظ چشم در این جامه غزلهای مولانا را به یاد می آورد:

ای هوس های دلم بیا بیا بیا بیا
ای مراد و حاصلم بیا بیا بیا بیا

از ره و منزل مگو دیگر مگو دیگر مگو
ای تو راه و منزلم بیا بیا بیا بیا

(مولانا، کلیات شمس، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۸).

نکته جالب دیگر اینگه شاعر از الفاظ عربی در شعر استفاده نکرده و خود را ملزم ساخته تا از فرهنگ پارسی دور نماند. صاحب المعجم در این باره می گوید: «شاعر دری باید که در ابواب تقلید قدما نکند و در آن چه گوید از جاده دری مشهور و متداول عدول جایز نشمرد.» (رازی، شمس قیس، المعجم فی معاییر اشعار العجم، ص ۲۷۲). تلاشهای دکتر کزازی در جهت حفظ میراث ملی و ماندگاری حماسه های ایرانیان از یاد نرفتنی است و در گستره فرهنگی وطن همیشه جایگیر و پاینده است. پیوند بی مانند چنین عناصری با یادمان های بومی بسیار زیبا و اثرگذار است و فرهنگ و تاریخ وطن به چنین پیوندهایی همیشه نیازمند است.

منابع

۱. براهنی، رضا، ۱۳۸۲، طلا در مس، چاپ اول، تهران، انتشارات زمان.
۲. برزگر خالقی، محمد رضا، ۱۳۸۶، شاخ نبات حافظ، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوار.
۳. بهار، ملک الشعرا، ۱۳۷۷، سبک شناسی، سه جلد، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴. رازی، شمس قیس، ۱۳۷۳، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح سیروس شمیسا، تهران، انتشارات فردوس.
۵. شاه حسینی، ناصر الدین، ۱۳۸۵، شناخت شعر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نشر هما.
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۴، صور خیال در شعر فارسی، تهران، نشر قطره.
۷. شمیسا، سیروس، ۱۳۷۹، سبک شناسی شعر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات فردوس.

۸. صفا، ذبیح الله، ۱۳۸۵، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، تلخیص از دکتر سید محمد ترابی، چاپ نهم، تهران، انتشارات فردوس.
۹. کزازی، میرجلال الدین، ۱۳۷۶، رخسار صبح، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتاب ماد.
۱۰. مولانا، جلال الدین، ۱۳۸۵، کلیات شمس تبریزی، ج ۱، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۱. همایی، جلال الدین، ۱۳۸۲، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ ۲۱، تهران، انتشارات نشر هما.
۱۲. همو، ۱۳۸۱، بیان، چاپ نهم، تهران، انتشارات فردوس.
۱۳. همو، ۱۳۸۷، داستان مستان، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر نویسنده.
۱۴. همو، ۱۳۸۱، بدیع زیبا شناسی سخن پارسی ج ۳، تهران، نشر ماد.
۱۵. همو، ۱۳۸۱، بیان زیبا شناسی سخن پارسی ج ۳، تهران، نشر ماد.

Investigation of Stylistics of Lyrics of Kazazi (Professor)

Maryam Nazarchoob Masjedi¹, Akram Qalehsari², Ashrafolsadat Sadati Kordkhili³

1. *PhD in Persian Language and Literature, National University of Tajikistan, Teacher in Mazandaran Farhangian University*
2. *BA in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Sari Branch, Teacher of Ministry of Education, Sari*
3. *BA in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Sari Branch, Teacher of Ministry of Education, Sari*

Abstract

In this paper, there have been analyzed four poetry samples of Professor Kazazi through different ways. In each sample investigated, the status of love has been considered so sublime and holy. The poet is directly affected by Saadi in selection of the type of beloved giving assign of the earthly beloved. It can be stated literally that the literary figures or figures of speech are present in all three samples. The poet is affected by the point of view of Iraqi Style. Of course, there can be observed an outlook of Khorasani style. Also, linguistically, it can be stated the Professor Kazazi (Zarvan) has applied some words and expressions in his poetry from the ancient Persia and the application type of the verbs and compounds are consistent with Khorasani style.

Keywords: Kazazi (professor), eye ode, passion city ode (shahr-e shoor ode), pain of separation sonnet, spring sonnet, stylistics
